

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر عباس سلیمی نمین، پژوهشگر تاریخ درباره عبرت‌های کودتای ۲۸ مرداد

اختلاف یعنی شکست

امروز اگر یک نیروی انقلابی بر افتراقات جامعه تمرکز کند و به اسم دفاع از دین و نظام به اختلاف بین مردم دامن بزند، باید در انقلابی بودن او تردید کرد



امروز هفتادمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد است. در طول این ۷۰ سال بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کارشناسان حوزه تاریخ و سیاست تحلیل‌های مختلفی پیرامون این واقعه عبرت‌آموز ارائه کرده‌اند؛ کودتایی که با طرح و حمایت مالی و اجرایی سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (اس‌آی‌اس) و آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و با همراهی بخشی از ارتش شاهنشاهی ایران و همکاری محمدرضا پهلوی و پشتیبانی مخالفان محمد مصدق با هدف سرنگونی دولت قانونی مصدق رخ داد. برای ایران امروز این واقعه چه عبرت‌هایی می‌تواند داشته باشد؟ اساساً چرا باید بعد از ۷۰ سال این واقعه نصب‌العین هر انسان ایرانی باشد؟ اینها سوالاتی است که ما را به گفت‌وگو با دکتر عباس سلیمی نمین، استاد تاریخ معاصر ایران واداشت.

■ آقای دکتر سلیمی نمین! امروز هفتادمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد است. طی این ۷۰ سال بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کارشناسان تحلیل‌های مختلفی پیرامون این واقعه عبرت‌آموز ارائه کرده‌اند. اکنون در سال ۱۴۰۲ برای ایران امروز واقعه کودتای ۲۸ مرداد چه عبرتی می‌تواند داشته باشد؟ اساساً چرا باید بعد از ۷۰ سال این واقعه نصب‌العین هر انسان ایرانی باشد؟

نهضت ملی شدن صنعت نفت دستاوردهای گوناگونی برای امروز ما دارد، نخستین دستاورد این است که ما یک شناخت عملی از پهلوی‌ها پیدا کردیم. متأسفانه به دلایلی این شناخت غباری بر آن نشسته و تجربه نهضت ملی به فراموشی سپرده شده است. طبیعتاً این شناخت هم تحت تأثیر غبار تاریخی واقع شده است. امروز بعضی‌ها شناخت‌شان از سلسله پهلوی متأثر از تبلیغاتی است که روی کار آورندگان پهلوی امروز در رسانه‌های‌شان پی می‌گیرند و در رسانه‌های خود عرضه می‌کنند. این نخستین نکته‌ای است که باید به آن توجه کنیم یعنی به عقب برگردیم و

از تبلیغات امروز قدرتهایی مثل آمریکا و انگلیس عبور کنیم و قبل از اینکه جمهوری اسلامی شکل گرفته باشد در یک تجربه‌ای، پهلوی‌ها را محک بزیم. متأسفانه تجربه‌ای که ما کسب کردیم که نشان می‌داد پهلوی‌ها کمترین عرقی به ایران ندارند، مورد غفلت و فراموشی واقع شده است.

در تجربه کودتای ۲۸ مرداد، در یک امر بسیار روشن، پهلوی‌ها در کنار بیگانه قرار می‌گیرند و مطالبات مردم را کاملاً نادیده می‌گیرند. به نظر من این بحث می‌توانست خیلی از رویکردهای امروزمان را اصلاح کند که متأسفانه به دلیل غفلت‌هایی که صورت گرفته ما در این زمینه مجبوریم تجربه‌شده‌ها را مجدداً تجربه کنیم. مسأله دیگری که امروز برای ما بسیار حائز اهمیت است، اینکه وحدت را حول مصالح ملی گسترش دهیم؛ به عبارت دیگر ما روی اشتراکات کار کنیم نه روی افتراقات. در نهضت ملی به‌رغم اینکه بین ارکان نهضت اختلافات جدی وجود داشت اما روی اشتراکات با هم کار کردند،

یعنی در مقوله‌های مثل ملی شدن صنعت نفت، هم فداپایان اسلام نظر مثبتی در این زمینه داشتند، هم آیت‌الله کاشانی به عنوان نماینده حوزه این نظر را داشت و هم این نظر را نیروهای جبهه ملی داشتند.

تأکید روی اشتراکات یک نهضت را رقم زد و بعد نیروهای کودتاکننده تلاش کردند روی افتراقات کار کنند و نتیجه گرفتند و ما را از آن وحدت دور کردند و زمینه برای کودتا رقم خورد. به همین دلیل امروز نیروهایی که دایم بر افتراقات تأکید می‌کنند را هر چند از جنبه انقلابی‌گری باشد، باید نسبت به آنها تردید کرد.

■ امروز در سطح جامعه مشاهده می‌کنیم عده‌ای از قشر مذهبی و انقلابی متأسفانه در زمین دشمن بازی می‌کنند و هر روز به پهنای در آتش اختلاف و شکاف اجتماعی می‌مانند. اینها حتی افراد حزب‌اللهی و انقلابی که دعوت به اتحاد و دوری از تفرقه می‌کنند را با برچسب‌های مختلفی از دایره انقلاب و حتی اسلام خارج می‌دانند. در حالی که تجربه بزرگ ۲۸ مرداد پیش چشمان ماست. به نظر شما علت این رفتارها چیست؟

کسانی که به مذهبی‌ها انگ می‌زنند، افراد کج‌فهمی هستند و حتماً نفوذی در میانی علمی و عملی آنها رخ داده است. تردید تکبید عده‌ای آنها را تحریک می‌کنند که اختلافات جامعه را حد کنند، در حالی که ما باید برعکس عمل کنیم.

ما نباید در اداره جامعه روی افتراقات تأکید کنیم؛ در اداره جامعه که سلاقی مختلف وجود دارد باید روی اشتراکات تأکید کنیم. باید بر اشتراکات خود با کسانی که سلیقه متفاوتی از ما دارند، تأکید کنیم. به هر حال بین

ما اشتراکاتی وجود دارد. ممکن نیست بین ملتی که در این چارچوب جغرافیایی زندگی می‌کند، اشتراکات وجود نداشته باشد اما عده‌ای به عکس عمل می‌کنند و روی افتراقات تأکید می‌کنند. یعنی مسائلی را در جامعه مطرح می‌کنند که خیلی‌ها نمی‌توانند همراهی کنند و همین مسأله باعث پراکندگی در جامعه می‌شود.

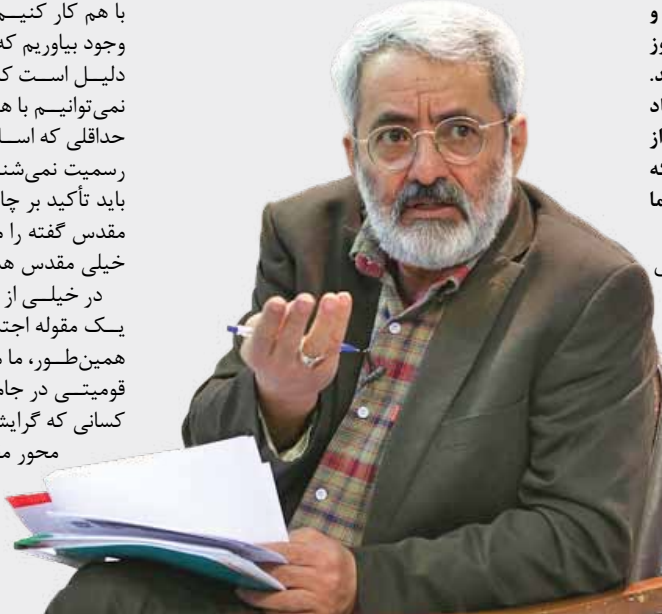
من می‌توانم مسائل مختلف اجتماعی - سیاسی را در این زمینه مطرح کنم که به نام انقلابی بودن، اشتراکات را به حداقل ممکن می‌رساند و این جامعه را دستخوش مشکلات جدی می‌کند.

■ به طور مصادیقی اگر بخواهید مواردی از این مسائل را که به پهنای آن، عده‌ای جاهل یا نفوذی تنور تفرقه و شکاف اجتماعی را شعله‌ور می‌کنند نام ببرید به چه مصادیقی اشاره می‌کنید؟

مثلاً درباره حجاب، ما باید ابتدا روی اشتراکات کار

کنیم و سپس گام بعدی را برداریم. اگر روی افتراقات کار کنیم، طبیعی است نمی‌توانیم وحدتی را حول یک مسأله‌ای که حافظ اخلاق جامعه است و اخلاق جامعه را تقویت می‌کند، به وجود بیاوریم. به عنوان مثال آیا در مقوله ولنگاری و بی‌بند و باری، ۹۰ درصد بانوان با هم مشترک نیستند؟! قطعاً هستند، یعنی اصلاً مایل نیستند از زن یک تصویر بسیار پستی ارائه شود؛ درست است امکان دارد خیلی حجاب قابل قبولی هم نداشته و به لحاظ عفاف هم دقت‌های لازم را نداشته باشند اما هرگز مایل نیستند نگاه جامعه به بانوان یک نگاه بسیار پست باشد. می‌توانیم در این اشتراک با هم کار کنیم. یعنی نهضتی را به وجود بیاوریم که حداقلی باشد نه حداقلی. به همین دلیل است که ما امروز در مقوله حجاب به راحتی نمی‌توانیم با هم صحبت کنیم. خیلی از جاها حجاب حداقلی که اسلام پذیرفته و به رسمیت شناخته را به رسمیت نمی‌شناسیم، حتماً تأکید بر چادر داریم، چرا باید تأکید بر چادر داشته باشیم؟ می‌توانیم آنچه شرع مقدس گفته را مبنا قرار دهیم نه وانمود کردن به اینکه خیلی مقدس هستیم.

در خیلی از مقولات دیگر هم همین‌طور است، این یک مقوله اجتماعی است و در مقولات سیاسی هم همین‌طور، ما می‌توانیم اشتراکی را راجع به مسائل قومیتی در جامعه ایجاد کنیم. یعنی همه سلاقی چه کسانی که گرایش دینی یا ملی دارند، همه اینها را حول محور مقابله با نژادپرستی متحد کنیم اما این کار را نمی‌کنیم یعنی روی اشتراکات کار نمی‌کنیم. کدام انسان است که راضی باشد خود



مروزی بر عبرت‌های کودتای ۲۸ مرداد در بیانات رهبر انقلاب

مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، ضربه‌اش را هم خورد

■ ۲۸ مرداد تکرار نخواهد شد
(«به دنبال ۲۸ مرداد» کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود که دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمدرضا آغاز شد. امروز می‌خواهند آن کارها را بکنند. البته مردم بیدارند و امروز آن روزها نیست. امروز، روزی نیست که آمریکا بتواند مثل ۲۸ مرداد، با انگلیس مثل دوران رضاخان عمل کند. جوانانی که در این کشور برای دفاع از اسلام آماده هستند، این خانواده‌ها، این پدر و مادرها، این زن و مرد مؤمن و آگاه و غیور، امروز ملتی را تشکیل داده‌اند که اسوه و نمونه ملت‌هاست.» (دیدار اعضای ستاد‌های نماز جمعه، ۱۳۸۱/۵/۵)

■ مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، ضربه‌اش را هم خورد

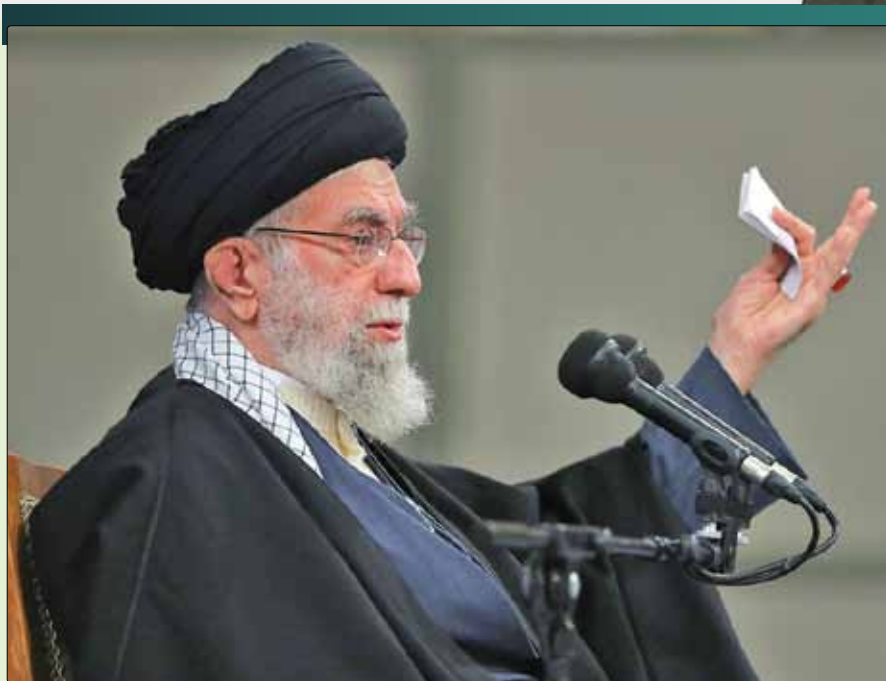
... هر ملتی به آمریکا اعتماد کرد ضربه خورد، حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. حالا در کشور ما دکتر مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، برای اینکه بتواند خود را از زیر فشار انگلیس‌ها نجات بدهد به آمریکایی‌ها متوسل شد. آمریکایی‌ها به جای اینکه به دکتر مصدق که به آنها حسن ظن پیدا کرده بود کمک کنند، با انگلیس‌ها همدست شدند، مأمور خودشان را فرستادند اینجا و کودتای ۲۸ مرداد را راه انداختند. حتی کسانی که با آمریکا میانه‌شان هم خوب بود و به آمریکا اعتماد کردند، ضربه‌اش را خوردند.» (دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۹۲/۸/۱۲)

«۶۰ سال است از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولان این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. یک روزی مصدق به آمریکایی‌ها

اعتماد کرد، به آنها تکیه کرد، آنها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا [که] با چمدان پر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازند، آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه پهلوی را سال‌های متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این‌ها مال آن دوره است.» (دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۹)

■ ۲۸ مرداد، نمونه‌ای از تسلط بیگانگان بر کشور
«... من ۴ نمونه را از تاریخ نزدیک خودمان - تاریخ صد سال پیش به این طرف - به شما عرض کنم. این ۴ نمونه به ما نشان می‌دهد وقتی یک قدرت بیگانه بر سر آن کشور و آن ملت چه می‌آید... (یک نمونه، نمونه مشروطیت است... نمونه دوم، خود حکومت رضاخان است... نمونه سوم، نمونه شهریور ۱۳۲۰ است) بعد، نمونه چهارم گریش آمد. و آن مرداد سال ۱۳۳۲ هجری شمسی بود. بعد از آنکه حکومت مصدق را سرنگون کردند. البته قبلاً مرحوم آیت‌الله کاشانی را با ترغیب‌های خودشان منزوی کردند، کنار زدند و با بی‌تدبیری‌هایی که انجام گرفت کنار گذاشتند؛ باز سر کار آمدند و وارد ایران شدند و توانستند با نفوذ خود، با ایادی خود، با فعالیت خود، کودتای ۲۸ مرداد را به وجود آورند و محمدرضا را که از ایران فرار کرده بود، به ایران برگردانند. بیست‌وپنج سال بعد از آن، حکومت دیکتاتوری سیاه پهلوی ادامه پیدا کرد. این ۴ مقطع

■ سکوت روشنفکران در قضیه ۲۸ مرداد
«... بعد از ۲۸ مرداد، از لحاظ نشان دادن انگیزه‌های یک روشنفکر در مقابل یک دستگاه فاسد، سکوت عجیبی در فضای روشنفکری هست. خیلی از کسانی که در دهه ۲۰ مورد غضب دستگاه قرار گرفته بودند، در دهه ۲۰ به همکاران مطیع دستگاه تبدیل شدند؟ آل‌احمد در کتاب «خدمت و خیانت روشنفکران»، از همین روشنفکری دهه ۳۰ حرف می‌زند. آل‌احمد این



اما در حاشیه، در قضیه ۲۸ مرداد، هیچ مبارزه حقیقی از جانب روشنفکران صورت نگرفت. البته ۲۸ مرداد، نسبت به زمان ما، خیلی قدیمی و دور از دسترس است، لیکن شدت عمل رژیم پهلوی در قضیه ۲۸ مرداد، با روشنفکرانی که احیاناً به دکتر مصدق با نهضت ملی علاقه‌های داشتند، کاری کرد که به کل کنار رفتند و هیچ مبارزه حقیقی از طرف مجموعه روشنفکران صورت نگرفت، در حالی که وظیفه روشنفکری ایجاب می‌کرد به نفع مردم و به نفع آینده آنها وارد میدان شوند، شعر بگویند، بنویسند، حرف بزنند و مردم را روشن کنند، اما این کارها انجام نگرفت.» (جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۲/۲/۲۲)

اما در حاشیه، در قضیه ۲۸ مرداد، هیچ مبارزه حقیقی از جانب روشنفکران صورت نگرفت. البته ۲۸ مرداد، نسبت به زمان ما، خیلی قدیمی و دور از دسترس است، لیکن شدت عمل رژیم پهلوی در قضیه ۲۸ مرداد، با روشنفکرانی که احیاناً به دکتر مصدق با نهضت ملی علاقه‌های داشتند، کاری کرد که به کل کنار رفتند و هیچ مبارزه حقیقی از طرف مجموعه روشنفکران صورت نگرفت، در حالی که وظیفه روشنفکری ایجاب می‌کرد به نفع مردم و به نفع آینده آنها وارد میدان شوند، شعر بگویند، بنویسند، حرف بزنند و مردم را روشن کنند، اما این کارها انجام نگرفت.» (جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۲/۲/۲۲)